



فرهنگی

پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۹۷ / شماره ۲۴۶

اخبار

موسیقی «همب: یک داستان عاشقانه» اولین نامزد جوایز آسیاسیفیک



فیلم «همب: یک داستان عاشقانه» به عنوان یکی از پنج نامزد نهایی جایزه بهترین موسیقی متن در جوایز سینمایی آسیاسیفیک انتخاب شد.

به گزارش ایسنا، «لنی کاریندرو» آهنگساز مطرح یونانی که ساخت فیلم موسیقی «همب: یک داستان عاشقانه» ساخته پیمان معادی را بر عهده داشته است، به عنوان یکی از پنج نامزد جایزه بهترین موسیقی متن دوازدهمین دوره جوایز سینمایی آسیاسیفیک انتخاب شده‌است.

جایزه بهترین موسیقی فیلم که امسال برای اولین بار به این جوایز سینمایی اضافه شده است، شاهد رقابت «لنی کاریندرو» برای فیلم «مب یک داستان عاشقانه»، «هری کرگسون ویلیامز» برای ساخت موسیقی فیلم «نس» (استرالیا)، «هیلدور گونادوتیر» و «یوهان یوهانسون» برای موسیقی فیلم «مریم مجدلیه» (استرالیا، بریتانیا)، «ایران کالیباب» برای فیلم «پورتره» (فیلیپین) و «عمر فادل» برای ساخت موسیقی متن فیلم «پوم‌الدین» (مصر) خواهد بود.

«ریوتیچی ساکاموتو» آهنگساز ژاپنی ریاست هیات داوران اعطای جایزه بهترین موسیقی متن جوایز سینمایی آسیاسیفیک ۲۰۱۸ را بر عهده دارد.

«لنی کاریندرو» بیشتر برای ساخت موسیقی فیلم‌های «هنو آنجلوبولوس» کارگردان نامدار یونانی چون فیلم «ابدیت و یک روز» شناخته شده است. فیلم «همب: یک داستان عاشقانه» نخستین همکاری این آهنگساز مطرح با سینمای ایران محسوب می‌شود.

مجله تایم «لنی کاریندرو» را به عنوان برترین موسیقیدان در قید حیات یونان معرفی کرده است؛ وی از دهه ۱۹۷۰ میلادی به ساخت موسیقی برای سینما و تئاتر مشغول بوده است اما ساخت موسیقی فیلم «سرگردان» به کارگردانی «کریستوفوروس کریستوفیس» در سال ۱۹۷۹ نقطه عطفی در کارنامه هنری او ایجاد کرد.

«کاریندرو» همکاری گسترده‌ای با «هنو آنجلوبولوس» سینماگر نامدار یونانی داشته است و در فیلم‌های «گام معلق لک لک» (۱۹۹۱)، «ابدیت و یک روز» (۱۹۹۸)، «دشت گریان» (۲۰۰۳) و «فتار زمان» (۲۰۰۸) با «آنجلوبولوس» همکاری داشته است. در سال ۲۰۱۵ چندین قطعه ساخت «کاریندرو» در فیلم «هکس دیوانه: جاده خشم» به کارگردانی «جورج میلر» مورد استفاده قرار گرفت.

مراسم دوازدهمین دوره جوایز سینمایی آسیاسیفیک روز ۲۹ نوامبر (۸ آذر) در بریسبان استرالیا برگزار خواهد شد و فهرست کامل نامزدهای این رویداد سینمایی روز ۱۷ اکتبر (۲۵ مهر) اعلام می‌شود.

پخش بین‌المللی فیلم «همب:یک داستان عاشقانه» برعهده سترین میرشب کمپانی «دریم لب» است.

گران‌ترین جایزه داستان کوتاه جهان اعطا شد

داستان کوتاه «شکر سیب» موفق به کسب جایزه ۱۵ هزار پوندی جایزه ملی داستان کوتاه بریتانیا شد.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «ینگرید پرساد» نویسنده اهل کشور ترینیداد با اولین داستان کوتاه خود با عنوان «شکر سیب» جایزه ۱۵ هزار پوندی جایزه ملی داستان کوتاه بریتانیا (جایزه ملی داستان کوتاه BBC) را در رقابت با دیگر نامزدها به خانه برد. این داستان کوتاه درباره پدری در حال مرگ و پسرش است که سال‌ها با هم بیگانه هستند. این داستان کوتاه در رقابت با چهار اثر دیگر نویسندگان زن شامل «مسافر ناگهانی» از «سارا هال»، «کارت فن روزنبرگ» نوشته «کیار لاندر»، «دقایق» نوشته نل استینوز و «متعلق بودن به» از «کری اندرو» موفق به کسب این جایزه شده است. داستان کوتاه «شکر سیب» سال گذشته نیز جایزه بهترین اثر جوایز داستان کوتاه کشورهای مشترک‌المنافع را از آن خود کرد. «ینگرید پرساد» که متولد کشور ترینیداد است و هم‌اکنون در لندن زندگی می‌کند نوشتن را در دهه چهارم زندگی خود آغاز کرده و در سال ۲۰۱۴ نیز اولین رمان خود به نام «اگر هرگز به خانه نروم» را منتشر کرد، او هم‌اکنون مشغول نگارش دومین رمان خود است. سال گذشته جایزه ملی داستان کوتاه بریتانیا به «لبه کم‌عمق» نوشته «سینان جونتز» نویسنده ولزی رسید.

ترجمه ۲ رمان خارجی منتشر شد

ترجمه رمان‌های «حییم‌طبقه» اثر نیکلسن بیگر و «پایان تنهایی» از یندیکت ولس به تازگی منتشر شده است.

به گزارش ایسنا، رمان «حییم‌طبقه» نوشته نیکلسن بیگر با ترجمه فرشاد رضایی در ۲۰۷ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۱۸هزار تومان در نشر ققنوس عرضه شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب می‌خوانیم: «مشکل کتاب خواندن همین بود: همیشه باید درست از همان جایی که دفعه قبل تو را از ادامه خواندنت منصرف کرده بود، شروع می‌کردی.» (از متن کتاب)

«حییم‌طبقه» اولین و مشهورترین رمان نیکلسن بیگر، نویسنده صاحب سبک آمریکایی، است که در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسید و از آن زمان بارها در ایالت متحده تجدید چاپ و به شش زبان دیگر ترجمه شده است. داستان این اثر در مدت زمانی بزرگی می‌شود که روی سوار یک پل‌مقری شده و از آن پیاده می‌شود اما آن‌چه در این روایت کوتاه می‌آید حجم وسیعی از خاطرات، تجربیات و مکالمات شخصیت داستان را دربر می‌گیرد. منتقدان ادبی «حییم‌طبقه» را یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات پست‌مدرن آمریکایی‌ها دانند و نثر منحصر به فرد و روایت جزئی‌نگر بیگر را می‌ستایند. کتاب حاضر اولین ترجمه از آثار بیگر به زبان فارسی و قدیمی برای معرفی یکی از شاخص‌ترین نویسندگان پست‌مدرن آمریکا در قرن بیستم است. همچنین کتاب «پایان تنهایی» نوشته یندیکت ولس با ترجمه حسین تهرانی در ۳۱۱ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۷هزار تومان در نشر یادشده راهی بازار شده است.

در نوشته پشت جلد کتاب آمده است: در طول این سال‌ها از تمام چیزهایی که قبلا نمی‌دانستم مطلع شده بود. می‌دانستم که این دختر خواهرش را کم می‌کند، بعداً به روسیه می‌رود و از آن‌جا دواج می‌کند. می‌دانستم که بعداً دوباره سر راهم قرار می‌گیرد و صاحب فرزند می‌شویم. از پیدامروی‌های شیشه‌اش اطلاع داشتم و این که چه مادر خوبی می‌شود، و می‌دانستم که بیامر و در بیمارستان بستری می‌شود. آن موقع که الواد در مدرسه کنارم نشسته بود اصلا نمی‌توانستم این‌ها را حدس بزنم. او فقط دختری شهرستانی بود که کنار پسر یتیمی نشسته بود. آغاز داستان ما داستان ما و بعد به مرگ فکر کردم و آنچه قبلاً اغلب در تصوراتم بود، که مرگ زمین بی‌تنهایی است.

جشن امضای کتاب «یادت باشد»

جشن امضای کتاب "یادت باشد" خاطرات همسر شهید مدافع حرم، حمید سبهاگالی مرادی برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا بر اساس خبر رسیده، طی این مراسم مخاطبان کتاب با نویسنده و خانواده شهید دیدار و گفت‌وگو و کتاب را با امضای نویسنده دریافت می‌کنند. روابط عمومی نشر اسم نوشته است: چندی پیش رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان ضمن یادکر از این کتاب و نقل یکی از خاطرات تکان‌دهنده این شهید مدافع حرم و همسر گرامی‌اش فرمودند: باید داستان زندگی قهرمان آن در تاریخ ثبت شود، باید آن را دید، باید آن را فهمید.

علی دهباشی معتقد است که تیراژ نشریات با آزادی رابطه مستقیمی دارد؛ زمانی که آزادی مطبوعات و قلم وجود نداشته باشد، تنوع نشریات هم وجود نخواهد داشت.

به گزارش ایسنا، این روزنامه‌نگار در نشست «تاریخچه مطبوعات فرهنگی در ایران معاصر» با اشاره به وضعیت نسخه آنلاین و جایی مطبوعات بیان کرد: هنوز نسخه چاپی ارزش خود را دارد. روزنامه‌های ژاپنی آسامی حدود ۷ میلیون تیراژ اگر اشتباه نکنم، نسخه چاپی و معادل همین تیراژ نسخه اینترنتی دارند؛ البته خوب است که کاغذ را کم مصرف کنیم اما روزنامه را به دست گرفتن و کتاب با کاغذ کاهی خواندن جذابیت و لذت خودش را دارد. مطبوعات ایران در حال حاضر به خوبی به سمت آنلاین شدن می‌رود و در همه جای دنیا خواهیم دید که نسخه اینترنتی روزنامه‌ها را کامل بر روی سایت‌ها قرار نمی‌دهند.

سردبیر مجله بخارا با اشاره به تاثیر تحولات اجتماعی در ایران بر روی مطبوعات، گفت: تحول اجتماعی هر زمانی که در ایران اتفاق افتاده تمام جامعه را به حرکت وا داشته است. تیراژ کتاب در سال‌های ۵۷ و ۵۸ و ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار بود اما در حال حاضر این تیراژ به یانصد تا هزار نسخه تنزل یافته است. اما هیچ کدام از تیراژها واقعی نیستند؛ برای مثال در آن سال‌های اوایل انقلاب برخی از کتاب‌ها از ممنوعیت درآمده بود، افرادی آن‌ها را می‌خریدند و به نظر من نمی‌خواندند و تنها به دلیل اینکه این کتاب‌ها ممنوعیت داشت حرص خرید آن را داشتند.

این روزنامه‌نگار با مقایسه وضعیت مطبوعات در دوران مشروطیت و دوران پهلوی بیان کرد: دوران مشروطیت برای مطبوعات یک دوران طلایی بود و دوران رضا شاه بعد از شهریور بیست هم دوران اوج و قفرت روزنامه‌ها را شاهد بودیم. از سال‌های ۳۰ تا ۳۲ نیز تعداد نشریات به شدت متنوع شد و حتی به نوعی هرج و مرج به وجود آمد. به نظر من تیراژ نشریات با آزادی رابطه مستقیمی دارد. به این معنا که زمانی که آزادی مطبوعات و قلم وجود نداشته باشد، شاهد تنوع نشریات هم نخواهیم بود. زمانی که این تنوع در میان نشریات وجود دارد هر کسی می‌تواند نظر خود را مطرح کند و تنوع به وجود می‌آید. اما ظهور اینترنت و شبکه‌های مجازی معادله را به هم ریخته؛ برای مثال اگر شما از یک فرد فرانسوی پرسید که تلگرام دارد یا نه خواهد گفت تلگرام یعنی چه؟ چون احتیاجی به نصب آن ندارد. به نظر ابزارهای غیر قابل دسترسی را به ما انتقال می‌دهند و هنوز فیسبوک در دنیا پرکاربردتر است. استفاده ما از پدیده‌های فضای مجازی غیرعادی است و گشتن در این فضا باعث می‌شود که فرصت‌های اندیشیدن ما کوتاه شود و هر چه را که می‌خواهیم انکار هیچ چیز نخواهیم. در واقع فضای مجازی مردم را از خواندن جدی کتاب بی‌نیاز می‌کند حتی جدی‌ترین آدم‌ها هم در تلگرام می‌نویسند.

او در پاسخ به این پرسش که چرا امروزه روزنامه‌ها دچار افت تیراژ شده‌اند، گفت: غیر از مساله آزادی، باید به این مساله اشاره کرد که روزنامه‌ها یک جنبه خبری دارند و زمانی که در فضای مجازی اخبار، لحظه به لحظه منتشر می‌شود، روزنامه‌ها نیز کارکرد خود را از دست می‌دهند. در حال حاضر تمام افرادی که در روزنامه‌ها می‌نوشند کاتال تلگرامی دارند و کاتال آن‌ها بیشتر بازدید می‌خورد؛ بنابراین تیراژ روزنامه‌ها نیز افت پیدا کرده است. زمانی که رادیو و تلویزیون ظهور پیدا کرد، به روزنامه‌ها ضربه نزد اما شبکه مجازی به مطبوعات آسیب زد چون هیچ چیز سر جای خودش نیست، چرا تیراژ روزنامه‌های خارجی پایین نمی‌آید

علی دهباشی معتقد است که تیراژ نشریات با آزادی رابطه مستقیمی دارد؛ زمانی که آزادی مطبوعات و قلم وجود نداشته باشد، تنوع نشریات هم وجود نخواهد داشت. به گزارش ایسنا، این روزنامه‌نگار در نشست «تاریخچه مطبوعات فرهنگی در ایران معاصر» با اشاره به وضعیت نسخه آنلاین و جایی مطبوعات بیان کرد: هنوز نسخه چاپی ارزش خود را دارد. روزنامه‌های ژاپنی آسامی حدود ۷ میلیون تیراژ اگر اشتباه نکنم، نسخه چاپی و معادل همین تیراژ نسخه اینترنتی دارند؛ البته خوب است که کاغذ را کم مصرف کنیم اما روزنامه را به دست گرفتن و کتاب با کاغذ کاهی خواندن جذابیت و لذت خودش را دارد. مطبوعات ایران در حال حاضر به خوبی به سمت آنلاین شدن می‌رود و در همه جای دنیا خواهیم دید که نسخه اینترنتی روزنامه‌ها را کامل بر روی سایت‌ها قرار نمی‌دهند.

سردبیر مجله بخارا با اشاره به تاثیر تحولات اجتماعی در ایران بر روی مطبوعات، گفت: تحول اجتماعی هر زمانی که در ایران اتفاق افتاده تمام جامعه را به حرکت وا داشته است. تیراژ کتاب در سال‌های ۵۷ و ۵۸ و ۴۰۰ یا ۵۰۰ هزار بود اما در حال حاضر این تیراژ به یانصد تا هزار نسخه تنزل یافته است. اما هیچ کدام از تیراژها واقعی نیستند؛ برای مثال در آن سال‌های اوایل انقلاب برخی از کتاب‌ها از ممنوعیت درآمده بود، افرادی آن‌ها را می‌خریدند و به نظر من نمی‌خواندند و تنها به دلیل اینکه این کتاب‌ها ممنوعیت داشت حرص خرید آن را داشتند.

این روزنامه‌نگار با مقایسه وضعیت مطبوعات در دوران مشروطیت و دوران پهلوی بیان کرد: دوران مشروطیت برای مطبوعات یک دوران طلایی بود و دوران رضا شاه بعد از شهریور

بیست هم دوران اوج و قفرت روزنامه‌ها را شاهد بودیم. از سال‌های ۳۰ تا ۳۲ نیز تعداد نشریات به شدت متنوع شد و حتی به نوعی هرج و مرج به وجود آمد. به نظر من تیراژ نشریات با آزادی رابطه

مستقیمی دارد. به این معنا که زمانی که آزادی مطبوعات و قلم وجود نداشته باشد، شاهد تنوع نشریات هم نخواهیم بود. زمانی که این تنوع در میان نشریات وجود دارد هر کسی می‌تواند نظر خود را مطرح کند و تنوع به وجود می‌آید. اما ظهور اینترنت و شبکه‌های مجازی معادله را به هم ریخته؛ برای مثال اگر شما از یک فرد فرانسوی پرسید که تلگرام دارد یا نه خواهد گفت تلگرام یعنی چه؟ چون احتیاجی به نصب آن ندارد. به نظر ابزارهای غیر قابل دسترسی را به ما انتقال می‌دهند و هنوز فیسبوک در دنیا پرکاربردتر است. استفاده ما از پدیده‌های فضای مجازی غیرعادی است و گشتن در این فضا باعث می‌شود که فرصت‌های اندیشیدن ما کوتاه شود و هر چه را که می‌خواهیم انکار هیچ چیز نخواهیم. در واقع فضای مجازی مردم را از خواندن جدی کتاب بی‌نیاز می‌کند حتی جدی‌ترین آدم‌ها هم در تلگرام می‌نویسند.

او در پاسخ به این پرسش که چرا امروزه روزنامه‌ها دچار افت تیراژ شده‌اند، گفت: غیر از مساله آزادی، باید به این مساله اشاره کرد که روزنامه‌ها یک جنبه خبری دارند و زمانی که در فضای مجازی اخبار، لحظه به لحظه منتشر می‌شود، روزنامه‌ها نیز کارکرد خود را از دست می‌دهند. در حال حاضر تمام افرادی که در روزنامه‌ها می‌نوشند کاتال تلگرامی دارند و کاتال آن‌ها بیشتر بازدید می‌خورد؛ بنابراین تیراژ روزنامه‌ها نیز افت پیدا کرده است. زمانی که رادیو و تلویزیون ظهور پیدا کرد، به روزنامه‌ها ضمه نزد اما شبکه مجازی به مطبوعات آسیب زد چون هیچ چیز سر جای خودش نیست، چرا تیراژ روزنامه‌های خارجی پایین نمی‌آید



استفاده کنیم و سطح بحث‌ها را بالا ببریم اما فکر می‌کنید که چند نفر به این ضرورت رسیده‌اند؟ همچنین فردی هم باید این ایده را به جریان بیندازد؛ البته من تا به امروز کاتال‌های تلگرامی را دیدم‌ام که مقاله و متن می‌گزارند و این خوب است؛ البته توان حرفه‌ای می‌خواهد که در فرصت کوتاه بتوانید در فضای مجازی اصل حرف خود را بزنید. ما زبان فارسی خود را خوب بلد نیستیم. زمانی که کلمات زیادی داشته باشیم می‌توانیم حرف خود را به خوبی بیان کنیم و نسخه چاپی و الکترونیکی موقفی را بنویسیم. درست است که از این فرصت مجازی باید بهره ببریم و این نسخه‌های الکترونیکی را ترویج کنیم اما نباید تپی باشند. روزنامه‌نگار امروزی تنبل است و یک جا می‌نشیند و می‌داند که با چه کسی مصاحبه کند تا جواب او را بدهد؛ این در حالی است که باید دنبال کارهای سخت برویم تا بتوانیم چیزی را خلق کنیم.

دهباشی گفت: کسی که رمان نمی‌خواند به طور مطلق از یک جهان ذهنی پیاده است، به خاطر اینکه رمان جهان‌های بزرگ را باز می‌کند و کسی که رمان نمی‌خواند نمی‌تواند خوب بنویسد و فکر کند به نظر من باید خواند و خوب خواند. ما خیلی در خواندن عقیبم و مردمی شفاهی هستیم. در خواندن از توسل به هر چیزی باید خود را رها کنیم و نگاه والاتری به انسان پیدا کنیم. برخی آمدند و درد و مساله خود را به جهان نوشتند. من تصور می‌کنم باید نثر روزنامه نگاران جوان قوی تر شود و باید با سرچشمه‌های نثر فارسی که متون بسیار مهمی را به یادگار گذاشته بیشتر مانوس شویم. من هر وقت گلستان سعدی می‌خوانم، همچنین سفرنامه ناصرخسرو و با همیقی سر تعظیم در مقابل این استادان فرود می‌آورم که در هفتصد، هشتصد سال پیش اینگونه روان و سلیس می‌نوشتند و ما اکنون چه الکن و نارسامی نویسیم.



فراهم اوریم که روزنامه‌های ما آزادی داشته باشند. درست است که تحمل آزادی سخت است اما از فسادهای عجیب و غریب در کشور بهتر است. در یک فضای آزادی بود که چند خبرنگار مچ نیکنسون را گرفتند و در ماجرای واترگیت بود که رییس جمهور آمریکا کنار گذاشته شد نیز با دو خبر این اتفاق افتاد. در حال حاضر نیز روزنامه‌نگاران ترامپ را رها نمی‌کنند و هر دفعه برایش مساله درست می‌کنند. مسئولان در دنیا نمی‌توانند به روزنامه‌نگاران بگویند که مصاحبه نمی‌کنند اما اینجا به راحتی روزنامه‌نگار را بیرون می‌اندازند و با او مصاحبه نمی‌کنند. این در حالی است که روزنامه‌نگار حق دارد از هر کس که می‌خواهد سوال پرسد و مقام دولتی حق ندارد نه بگوید. این یک اصل کلی در دنیای حرفه‌ای مطبوعات است.

دهباشی بیان کرد: ما نسبت به افغانستان، پاکستان و… وضعیت خوبی در تیراژ مطبوعات نداریم. به نظر شما چند نفر از سردبیران مجلات و روزنامه‌های مار، روزنامه می‌خوانند. در گذشته روزنامه‌های قدیمی بخش حوادث داشتند و نوع گزارش نویسی آن‌ها یک فن محسوب می‌شد. متأسفانه روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نویسی در ایران بی‌قدر و منزلت شده است. او ادامه داد: روزنامه‌نگار ما باید بتواند در سطوح دیگر هم بنویسد. زمانی که روزنامه سازندگی شروع به کار کرد من امیدوار شدم به دلیل اینکه یک روزنامه بینابین بود و به نظرم به چند روزنامه به این شکل نیاز داریم که بینابین باشند و به صورت حرفه‌ای کار کنند. سازندگی در مسیر یک روزنامه حرفه‌ای و تولید مطلب واقعا واقعا دشوار است و چون جامعه ما سیاسی است، دائم در برخی مسائل گیر می‌کنیم.

این روزنامه‌نگار با اشاره به استفاده از امکانات فضای مجازی اظهار کرد: یکی از وظایفمان این است که از امکانات مجازی

چگونه جامعه هنری را از کبی دور کنیم؟

اثر هنری؛ اختراعی که ثبت نمی‌شود

و قیمت می‌تواند تاسیس شود؛ البته هر مرکز تجسمی باید متقاضی داشته باشد نه اینکه خودش را متولی کند (همه اثر را مورد بررسی قرار بدهد) زیرا این حوزه بسیار وسیع است. هر اثری که روی اصل بودن آن شک وجود دارد، می‌توانند به این مرکز رجوع کنند تا اصل بودن آن مشخص شود. اگر هم روی اثری که در حراجی ارائه شده شک وجود دارد، مرکز تجسمی می‌تواند وارد کار شود تا آن‌هان عمومی روشن شود. البته حراج‌ها تقریباً سالم هستند و جوسازی علیه آن‌ها انجام می‌شود.

این نقاش بیان می‌کند: از سویی همه باید دست به دست هم بدهند و به کبی کاران هشدار بدهند، کارشان را متوقف کنند و اگر لازم باشد به مراکز قضایی ارجاع داده شوند. افرادی که کبی می‌کنند اکثراً نا آگاه هستند و تعداد کمی هستند که مشکل متوجه شوی کارشان کبی است.

نامی با بیان اینکه متأسفانه گلاری دار‌های ما نیز افراد صد درصد آگاهی در این زمینه نیستند، در گفت‌وگو با ایسنا چنین اظهار می‌کند: آن‌ها یا افرادی علاقه‌مند به هنرند یا خودشان نقاشی می‌کشند و … اما کارشناس نیستند. در تمام تهران نمی‌توانید به تعداد انگشتان دست افرادی را پیدا کنید که کارشناسی که بتوانند تشخیص کثبی بدهد. گلاری‌ها نا آگاه هستند - اصول گلاری‌داری را هم نمی‌دانند. باید میزان آگاهی گلاری‌داران نیز افزایش پیدا کند.

از طرفی آیدین آغداشلو و نقاش - نیز در این زمینه در گفت‌وگو با ایسنا، به وجود جامعه مخاطب هوشیار اشاره می‌کند که بتوانند اثر درست را تشخیص بدهد؛ البته او نیز معتقد است چنین مرکز قابل انگایی باید تاسیس شود، که کار آزمایشی دقیق و دستگاه‌های پیچیده‌ای را نیاز دارد.

بهنام کرامتی - نقاش و پژوهشگر - نیز درباره آثار کبی و تقلبی می‌گوید: باید دید کبی در کجا و به چه شکل انجام شده است؛ کبی کردن متأسفانه چیزی است که در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد. گاهی کثبی می‌شود کار مورد کبی قرار گرفته اما تنها منبع الهام فرد دیگری بوده است.

کرامتی ادامه می‌دهد: در ایران قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان داریم که حول آن می‌شود اقداماتی را صورت داد. یکی از مهم‌ترین موارد وجود مرکز کارشناسی آثار است که می‌تواند در مرکز هنرهای تجسمی و موزه هنر‌های معاصر باشد که توسط کارشناسان و داوران آثار مورد بررسی قرار بگیرند. شکل اجرایی می‌تواند متفاوت باشد اما مهم این است این مرکز دارای کارشناسان خبره‌ای باشد.

اظهار می‌کند: معمولاً این مراکز خودشان اعمال نظر نمی‌کنند بلکه اگر مشکلی

پیش بیاید به آن‌ها مراجعه می‌شود؛ و آن‌ها رأی خود را صادر می‌کنند.

کرامتی درباره نقش گلاری‌داران در ارائه نکردن آثار کبی نیز می‌گوید: گلاری‌دارها نیز باید تجربه‌اشان با کارشناسان و مشاوران کمک بگیرند؛ البته موضوع کبی در آثار

یک گلاری آنقدر حساس نیست که ورود آثار کبی به مسابقه‌های کشوری و حراجی‌ها مهم است، یک گلاری اگر کار کبی ارائه کند مشروعبت خودش زیر سوال می‌رود. فکر می‌کنم آن مرکز کارشناسی اثر می‌تواند صحت و اصالت اثر را تعیین کند و هم اگر مواردی از این دست رخ بدهد اظهار نظر کند.



او معتقد است: به نظرم پیشگیری مقدری دشوار است زیرا تعداد آثار تجسمی که در موارد مختلف عرضه می‌شود خیلی زیاد است. فکر می‌کنم هر مرکز و گلاری و جایی که کارش را عرضه می‌کند اگر از مشاوران خبره کمک بگیرد کمتر این اتفاق رخ می‌دهد. اگر هم رخ بدهد آن مرکز باید معذرت‌خواهی کند و کار را از حالت عرضه خارج کند.

کامرانی درباره ساز و کار خارج از کشور برای ارائه نشدن آثار کبی اظهار می‌کند: در خارج از کشور هم قانون کبی‌رایت وجود دارد و افرادی که در این حوزه فعالیت دارند خودشان یا مشاورانشان خبره هستند. گاهی می‌شنویم در آنجا هم اتفاقاتی رخ می‌دهد اما آنسبت به ایران آ ضریب اشتباهشان کمتر است. از سویی فرد کبی کار باید

هزینه‌های بیشتری را برای کار خودش بپردازد.

او همچنین می‌گوید: اثر هنری مانند اختراع است اما به دلیل اینکه تعدادشان زیاد است در جایی ثبت نمی‌شود اما هنرمندانی که اثری را خلق می‌کنند توقع دارند از طرف دولت حمایت شوند و اگر از آثارشان کبی شد بتوانند شکایت کنند و اقدامی صورت بدهند و مرجعی وجود داشته باشد که در صورت شکایت بتواند نظر بدهد و وارد عمل شود.

در این میان لیلی گلستان - مدیر گلاری گلستان - نیز در گفت‌وگو با ایسنا اظهار می‌کند: من سال‌ها پیش به مدیران تجسمی وقت پیشنهاد دادم دستگاهی را بخرند که تقلب در آثار هنری را مشخص می‌کند. مانند آثار سهراب سپهری و فریده لاشایی که این روزها خیلی از روی آن‌ها تقلب می‌شود. اما درباره آثاری که از روی اینترنت یا از روی دست نقاش‌های دیگر کبی می‌شود او فرد کبی کننده آن را به نام اثر خودش جامی‌زند؛ ما باید از کجا بفهمیم کبی شده است؟ این موضوع فقط به شرافت، کرامت و اخلاق خود هنرمند مربوط است که نباید این کار را انجام بدهند. مگر نمی‌خواهند نقاش باشند؟ باید خلاقیت داشته باشند.